

خلاً قانونی مطالبه‌های غیرجاری در قانون عملیات بانکی بدون ربا*

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۱۹

تاریخ تأیید: ۹۳/۷/۳۰

سیدعباس موسویان**

چکیده

یکی از خلأهای جدی قانون عملیات بانکی بدون ربا، نادیده گرفتن مسئله مطالبه‌های غیرجاری و عدم ارائه شیوه‌های شرعی جهت مدیریت این مسئله است. در حالی که می‌توان براساس فقه غنی اسلام در کنار راهکارهای انگیزشی و اخلاقی، راهکارهای الزامی متعددی برای پیش‌گیری و معالجه مشکل مطالبه‌های غیرجاری بانکی پیشنهاد کرد.

تحقیق پیش‌رو می‌کوشد موضوع خلأ قانونی موجود درباره مطالبه‌های غیرجاری را مورد بررسی قرار داده و با آسیب‌شناسی وضع موجود، پیشنهادهای مشخصی جهت اضافه‌شدن فصلی جدید به قانون عملیات بانکی بدون ربا ارائه دهد. به‌نظر می‌رسد وارد کردن یافته‌های این پژوهش به‌صورت مواد و تبصره‌های قانونی الزامی و تشویقی به قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌تواند؛ اولاً، به تقویت قانون بیانجامد؛ ثانیاً، میزان مشروعیت شیوه‌های مورد استفاده در نظام بانکی کشور در رویارویی با مسئله مطالبه‌های غیرجاری را تقویت کند؛ ثالثاً، راهکارهای نظارتی بانک مرکزی را بهبود بخشد؛ رابعاً، مانع دخالت‌های نهادهای غیرتخصصی در فعالیت‌های بانکداری شود و تمام اینها سرانجام زمینه کاهش مطالبه‌های غیرجاری را فراهم می‌آورد. **واژگان کلیدی:** قانون عملیات بانکی بدون ربا، مطالبه‌های غیرجاری، جریمه تأخیر تادیه، وجه التزام، فقه اسلامی. **طبقه‌بندی JEL:** E52، D53.

*. این مقاله براساس تحقیق بازننگری قانون عملیات بانکی بدون ربا تدوین شده که به‌وسیله کارگروهی برای مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی انجام گرفته است. نویسنده مقاله نتیجه‌های تحقیق را به‌صورت مقاله استدلالی درآورده است. به این وسیله از زحمات‌های علمی کارگروه آقایان بحرینی و رجایی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی؛ نظریور، فراهانی‌فرد، رضایی، احمدزاده و یوسفی از اعضای هیئت علمی دانشگاه مفید، دانشگاه علوم اقتصادی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ نیز سعید کریمی که در تدوین قوانین و حسین میسمی که در تهیه مقاله کمک کرده‌اند، تقدیر می‌شود.

**دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مجری تحقیق بازننگری قانون عملیات بانکی بدون ربا.

Email: samosavian@yahoo.com.

مقدمه

یکی از معضله‌های مؤسسه‌های اعتباری (به‌ویژه بانک‌ها)، رویارویی اصولی و قانونی با پدیده مطالبه‌های غیرجاری است. تجربه تاریخی و جهانی نشان می‌دهد که هر نوع افراط و تفریط در برخورد با این پدیده، نتیجه‌های نامطلوبی برای مشتریان، بانک‌ها و تمام اقتصاد به همراه دارد و در نقطه برابر آن، هر نوع برنامه‌ریزی سنجیده و قانونی، باعث رونق کسب‌وکار و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و اجتماعی می‌شود (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

به جرئت می‌توان گفت که یکی از اصلی‌ترین چالش‌های نظام بانکی کشور در حال حاضر مقوله مطالبه‌های غیرجاری و مدیریت آنها است که یکی از مهم‌ترین بُعدهای این چالش، عدم وجود قانونی مشروع، مرجع، واحد و جامع درباره مطالبه‌های غیرجاری است. با توجه به اینکه مسائل گوناگون قابل طرح در موضوع مطالبه‌های غیرجاری، مانند: اعسار و ورشکستگی مشتریان، دریافت جریمه تأخیر تأدیه، مهلت‌دادن مطالبه‌های غیرجاری و ...، همگی از جمله بحث‌هایی هستند که بُعدهای شرعی بسیار مهم دارند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین منبع قانونی برای طرح این موضوعات، قانون عملیات بانکی بدون ربا است که متأسفانه در این باره به‌طور کامل ساکت است.

کوشیده می‌شود تا ضمن آسیب‌شناسی وضع موجود و ارائه مبانی نظری لازم، پیشنهادهای مشخصی جهت اضافه‌شدن به قانون عملیات بانکی بدون ربا ارائه شود. در حقیقت پس از این مقدمه، ابتدا به تحلیل آمار و ارقام مطالبه‌های معوق و آسیب‌شناسی وضع موجود مواجهه با این چالش در نظام بانکی کشور پرداخته شده و بعد از آن، چارچوب نظری لازم جهت اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد بحث واقع می‌شود. در ادامه نمونه پیشنهادی مواد قانونی مرتبط با مطالبه‌های غیرجاری جهت اضافه‌شدن به قانون ارائه می‌شود. بخش آخر نیز از بحث‌های مطرح‌شده جمع‌بندی می‌کند. شایان ذکر است از آنجایی که کسی از این دید به بحث مطالبه‌های غیرجاری بانک‌ها نگاه نکرده، تحقیق در نوع خود جدید و بدون پیشینه است.

تحلیل آماری مطالبه‌های غیرجاری در نظام بانکی کشور

پیش از هرگونه بحث درباره ضعف قانون عملیات بانکی بدون ربا در مقوله مطالبه‌های غیرجاری، ابتدا لازم است تصویر روشنی از اهمیت موضوع ارائه شود. بر این اساس به نظر می‌رسد ارائه تحلیل آماری مختصری درباره چالش مطالبه‌های غیرجاری در نظام بانکی کشور، به خوبی ضرورت بحث درباره این مسئله را نشان می‌دهد.

بر مبنای طبقه‌بندی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،^{*} منظور از «مطالبه‌های جاری» مواردی است که پرداخت اصل و سود تسهیلات یا پرداخت اقساط در سررسید صورت گرفته یا حداکثر از سررسید آن دو ماه گذشته است؛ اما مطالبه‌های غیرجاری به سه دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شوند که عبارت هستند از: الف) سررسید گذشته؛ ب) معوق؛ ج) مشکوک‌الوصول. منظور از مطالبه‌های سررسید گذشته مواردی است که از تاریخ سررسید اصل و سود تسهیلات یا تاریخ قطع پرداخت اقساط، بیش از دو ماه و کمتر از شش ماه گذشته است. در صورتی که تأخیر بیش از شش و کمتر از هجده ماه باشد، مانده سررسیدشده تسهیلات به طبقه معوق منتقل می‌شود و اگر بیش از هجده ماه از تاریخ قطع پرداخت اقساط بگذرد، مانده سررسیدشده به طبقه مشکوک‌الوصول منتقل می‌شود.

جدول ۱، روند رشد سه گروه مطالبه‌های غیرجاری در سال‌های ۸۵ - ۹۲ را نشان می‌دهد. همان‌طور که از اطلاعات جدول به دست می‌آید، کم‌وبیش در تمام سال‌های مورد بررسی، حجم مطالبه‌های غیرجاری در شبکه بانکی کشور رو به افزایش بوده است؛ البته در برخی از سال‌ها (مانند سال ۸۶ و ۹۰)، درصد افزایش این نوع مطالبه‌ها در یک سال، بسیار بالا بوده است.^{**}

*. بخشنامه مب/۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۵.

** تحلیل دلایل این مسئله از حوصله تحقیق پیش‌رو خارج است.

جدول ۱: مانده انواع گروه‌های مطالبه‌های غیرجاری در سال‌های ۸۵ - ۹۱ (میلیارد ریال)

درصد تغییرات	کل	گروه‌های مطالبه‌های غیرجاری			عملکرد نظام بانکی کشور
		مطالبه‌های مشکوک‌الوصول	مطالبه‌های معوق	مطالبه‌های سررسید گذشته	
	۱۶۰۱۸۸	۴۱۰۱۸	۷۵۳۷۷	۴۳۷۹۴	۱۳۸۵
۶۵	۲۶۳۹۵۶	۹۴۵۷۲	۱۰۶۴۳۱	۶۲۹۵۴	۱۳۸۶
۱۵	۳۰۲۸۷۷	۱۴۳۱۵۸	۹۴۹۱۴	۶۴۸۰۵	۱۳۸۷
۲۴	۳۷۵۱۸۱	۱۸۱۷۰۸	۱۰۷۸۵۳	۸۵۶۲۰	۱۳۸۸
۱۱	۴۱۸۱۷۸	۲۱۷۱۷۰	۱۱۶۵۲۲	۸۴۴۸۶	۱۳۸۹
۴۲	۵۹۴۷۲۶	۳۰۲۳۷۰	۱۵۲۸۷۹	۱۳۹۴۷۷	۱۳۹۰
۱۰	۶۲۳۱۶۵	۳۵۴۵۶۱	۱۵۴۲۵۰	۱۱۴۳۵۵	۱۳۹۱
۲۹	۸۰۲۵۸۴				۱۳۹۲

منبع: گزارش عملکرد بانک‌های کشور در سال ۱۳۹۱، مؤسسه عالی آموزش بانکداری در ایران، بانک مرکزی ج.ا.ا.

جدول دو، مانده انواع گروه‌های مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات را نشان می‌دهد. نسبت مطالبه‌های غیرجاری به تسهیلات یکی از شاخص‌های مهم بانکی است. این نسبت به خوبی نشان می‌دهد که از همه تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت کرده‌اند، چه میزانی قابل بازگشت نیست. در تحلیل اطلاعات جدول دو، دست‌کم چند نکته قابل ارائه است؛ اولاً، نسبت مجموع مطالبه‌های غیرجاری کشور به تمام تسهیلات همواره دو رقمی بوده که خود قابل تأمل است؛ چرا که میزان استاندارد این نسبت در دیگر کشورها سرانجام بین سه تا پنج درصد است، ثانیاً، روند نسبت پیش‌گفته در بین سال‌های ۸۵ - ۹۱ همواره (به جز سال ۸۹) رو به رشد بوده است. سرانجام اینکه در طول سال‌های مورد بررسی، در حالی که مطالبه‌های سررسید گذشته و معوق تاحدودی کاسته شده‌اند، میزان مطالبه‌های مشکوک‌الوصول به میزان قابل توجهی افزایش داشته است. جدول سه نیز به ارائه نسبت مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات در بانک‌های دولتی و خصوصی (درصد) می‌پردازد.

جدول ۲: نسبت انواع گروه‌های مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات (درصد)

مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات				عملکرد نظام بانکی کشور
مجموع مطالبه‌های غیرجاری	مطالبه‌های مشکوک‌الوصول	مطالبه‌های معوق	مطالبه‌های سررسید گذشته	
۱۰/۹	۲/۹	۵/۱	۲/۹	۱۳۸۵
۱۴/۱	۵	۵/۷	۳/۴	۱۳۸۶
۱۵/۷	۷/۴	۴/۹	۳/۴	۱۳۸۷
۱۶/۳	۷/۹	۴/۷	۳/۷	۱۳۸۸
۱۲/۹	۶/۷	۳/۶	۲/۶	۱۳۸۹
۱۴/۸	۷/۵	۳/۸	۳/۵	۱۳۹۰
۱۵/۴	۸/۸	۳/۸	۲/۸	۱۳۹۱

۳۷

منبع: گزارش عملکرد بانک‌های کشور در سال ۱۳۹۱، مؤسسه عالی آموزش بانکداری در ایران، بانک مرکزی ج.ا.ا.

جدول ۳: نسبت مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات در بانک‌های دولتی و خصوصی (درصد)

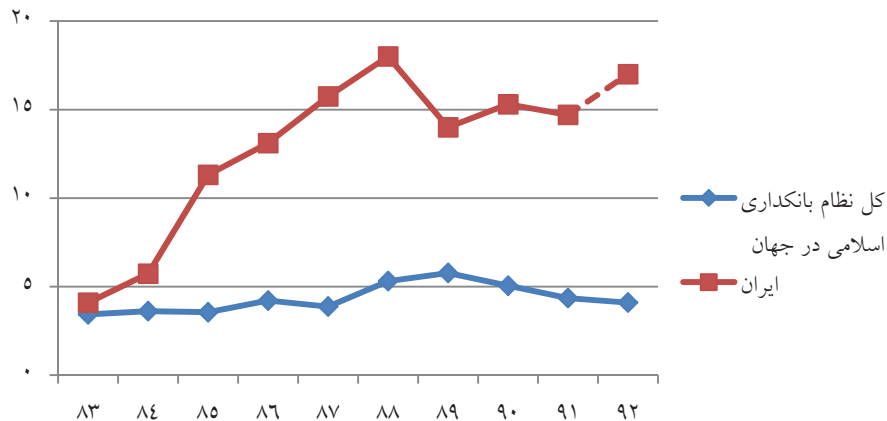
۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	عملکرد نظام بانکی کشور	
۱۸/۳	۲۰/۴	۱۷/۴	۲۱/۵	۲۱/۸	۱۵/۱	۱۱	تجاری	بانک‌های دولتی
۸/۳	۹/۳	۱۰/۲	۱۴/۱	۱۴/۶	۱۲/۴	۱۳/۳	تخصصی	
۱۲/۵	۱۴/۸	۱۲	۱۴/۴	۸	۱۱	۶/۴	بانک‌های خصوصی	
۱۴/۷	۱۵/۱	۱۳/۹	۱۸/۳	۱۵/۷	۱۳/۱	۱۱/۳	کل	

منبع: تارنمای بانک مرکزی ج.ا.ا.

در تحلیل مجموع اطلاعات ارائه‌شده می‌توان ادعا کرد که نسبت مطالبه‌های معوق به کل تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور ایران بسیار بالا بوده و این ممکن است در آینده بانک‌ها (حتی کل نظام بانکی) را با خطر جدی روبه‌رو سازد. به‌منظور درک بهتر این مسئله، در نمودارهای یک و دو، مقایسه‌ای بین وضعیت مطالبه‌های معوق در نظام بانکی ایران با آن‌دسته از کشورهایی که به صورتی به راه‌اندازی بانکداری اسلامی دست زده‌اند، شده است. همان‌طور که به خوبی ملاحظه می‌شود، آمار مطالبه‌های غیرجاری در نظام

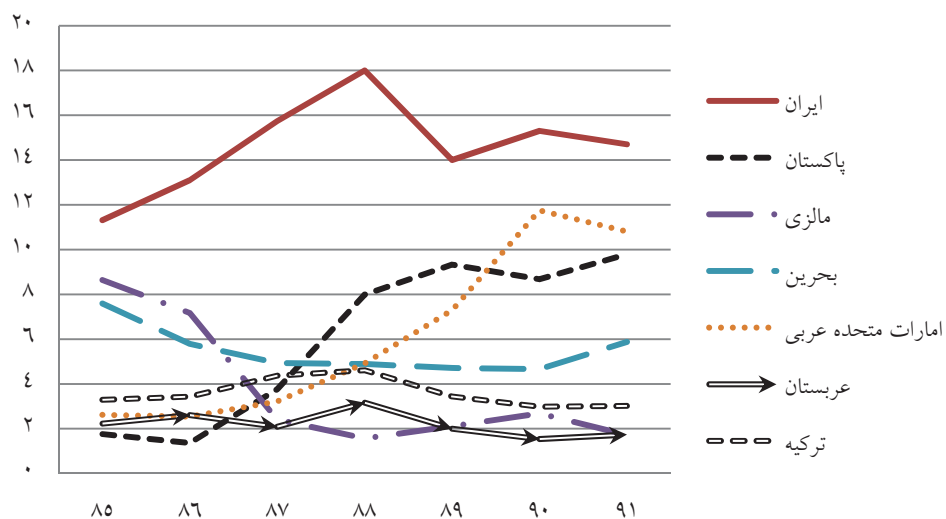
بانکی کشور ایران، بسیار بیشتر از کشورهای دیگر بوده و این خطری جدی و ریسکی مهم برای بازار پول کشور شمرده می‌شود (ندری و محرابی، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

نمودار ۱: نسبت مطالبه‌های غیرجاری به تسهیلات در ایران و بانکداری اسلامی در جهان (درصد)



منبع: پایگاه اطلاعات آماری بانک‌های جهان Bankscope.

نمودار ۲: نسبت مطالبه‌های غیرجاری به تسهیلات در نظام بانکی کشورهای اسلامی (درصد)



منبع: پایگاه اطلاعات آماری بانک‌های جهان Bankscope.

آسیب‌شناسی وضع موجود از دید قانونی

پرسش مطرح شده در این قسمت آن است که آیا قوانین مرتبط با عملیات بانکی (به‌ویژه قانون عملیات بانکی بدون ربا) ظرفیت‌های کافی برای رویارویی با چالش مطالبه‌های غیرجاری به شیوه‌ای کارا و مشروع را دارد؟ در ادامه کوشش می‌شود تا با طرح چند موضوع به برخی از چالش‌های قانونی که نظام بانکی کشور در رویارویی با مطالبه‌های غیرجاری با آنها روبه‌رو است، اشاره شود.

۱. سکوت قانون عملیات بانکی بدون ربا

شاید نخستین و مهم‌ترین چالشی که نظام بانکی کشور درباره وصول مطالبه‌های غیرجاری با آن روبه‌رو است، سکوت کامل قانون عملیات بانکی بدون ربا در این باره است. در حقیقت بررسی بخش‌های گوناگون این قانون نشان می‌دهد به‌رغم اهمیت این مسئله و بُعدهای شرعی بسیار مهمی که می‌تواند پیدا کند (مانند حرمت ربای جاهلی)؛ اما قانون در این باره هیچ مسئله‌ای را بیان نمی‌کند. با توجه به این مسئله، نظام بانکی کشور براساس آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی (که البته براساس نظر شورای نگهبان تنظیم شده است) به پی‌گیری مطالبه‌های غیرجاری دست می‌زند.

۲. اختلافی بودن نظر شورای نگهبان درباره جریمه تأخیر تادیه

چگونگی رویارویی قانونی با مسئله مطالبه‌های معوق و جریمه تأخیر تادیه در نظام بانکی کشور تحول‌های قابل توجهی دارد. در حقیقت پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مراجع تقلید استفتائاتی شد که سرآغاز تغییر قوانین گذشته شد. در یکی از این استفتائات که از طرف انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از حضرت امام خمینی علیه السلام انجام شد، آمده است:

احتراماً به عرض می‌رساند چون اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد در وقتی که با اجرای مفاد مواد ۳۶ - ۳۷ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا (که رونوشت آن پیوست است) به جهت منطبق نبودن با روح قانون اساسی و احکام مقدسه اسلام، تکلیف شرعی خود را پرسش و اظهار می‌دارند که طلبکاران تقاضای خسارت تأخیر تادیه (صدی دوازده در سال) از بدهکاران خود می‌کنند و ما نمی‌توانیم از اجرای مفاد پیش‌گفته

عدول کنیم، تکلیف شرعی ما چیست؟ تقاضا داریم در این باره انجمن اسلامی را ارشاد فرمایند. حضرت امام خمینی^{علیه السلام} در پاسخ این پرسش نوشته است: «باسمه تعالی؛ مبلغی که بابت تأخیر تأدیه گرفته می‌شود ربا و حرام است» (مهرپور، ۱۳۷۱، ص ۱۹۲).

با ادامه یافتن موضوع و به تدریج، مسئله از استفتائات فردی فراتر رفت و به شورای نگهبان که مرجع تصمیم‌گیری درباره قوانین پیش از انقلاب بود، رسید. این شورا در نامه‌های متعددی، قوانین مربوط به گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را غیرشرعی اعلام کرد (همان، ص ۱۹۳).

حذف خسارت تأخیر تأدیه از نظام بانکی، مشکل‌های انبوهی برای بانک‌های کشور پدید آورد. در حقیقت افراد فراوانی که تسهیلات کلان از بانک‌ها گرفته بودند، انگیزه‌ای برای پرداخت به موقع بدهی خود نداشتند و این نابسامانی فراوانی در برنامه بانک‌ها پدید می‌آورد. بر این اساس، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با احساس خطر، به اندیشه مذاکره با شورای نگهبان افتاد و در این جهت نامه‌هایی بین بانک مرکزی و شورای نگهبان مبادله شد. واپسین نامه‌ای که به حل مشکل و تنظیم ماده خاصی در قراردادهای بانکی انجامید، در ادامه ذکر می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فقیهان شورای نگهبان با تغییر مختصری، پیشنهاد شورای پول و اعتبار را می‌پذیرند (همان، ص ۱۹۶):

متن نامه بانک مرکزی:

شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ همان‌طور که استحضار دارند، نظر آن شورای محترم درباره دریافت جریمه ناشی از تأخیر تأدیه مطالبه‌های بانک‌ها از مشتریان خود طی نامه شماره ۳۳۶/ه مورخ، ۱۳۶۱/۲/۶، استفسار شد؛ اما نظر به اینکه اجرای نظرات اصلاحی آن شورا [مبنی بر حرمت دریافت جریمه تأخیر تأدیه]، بانک‌ها را در عمل با مشکل‌هایی روبه‌رو می‌کرد، مراتب با حضور حضرت آیت‌الله غلام‌رضا رضوانی، عضو فقیهان شورای نگهبان قانون اساسی در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار مطرح شد و قرار شد تغییرهای لازم در این باره به عمل آید. اکنون عین مفاد ماده‌ای که در قراردادهای نظام بانکی با مشتریان، تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه گنجانده می‌شود، جهت اظهار نظر تقدیم می‌شود. خواهشمند است نظر آن شورا را درباره این متن اعلام و مراتب را ابلاغ فرمایند: در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به‌علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ

تسویه کامل بدهی، مبلغی به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت؛ از این رو، وام یا اعتبارگیرنده با امضای این قرارداد، ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، افزون بر بدهی تأدیه‌نشده، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال، نسبت به بدهی یاد شده برحسب قرارداد به بانک پرداخت کند.

متن پاسخ شورای نگهبان:

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ عطف به نامه شماره ۵/۴۰۹۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸، موضوع در جلسه فقیهان شورای نگهبان مطرح شد و به این صورت اظهار نظر شد: عمل به ترتیبی که در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار تصمیم گرفته شده و ضمیمه نامه پیش‌گفته ارسال داشته‌اند با اصلاح عبارت تسویه کامل بدهی به عبارت تسویه کامل اصل بدهی، اشکالی ندارد و مغایر با موازین شرعی نیست.

این پاسخ مهم‌ترین پاسخ شورای نگهبان در مقوله تأخیر تأدیه و مبنای اصلی عملکرد

۴۱

نظام بانکی کشور است. بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در شهریور ۱۳۶۲ نیز نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن، مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد، متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، مبلغی معادل ۱۲ درصد اصل بدهی، به عنوان وجه التزام به بانک بپردازد (السان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱). بعد از مدتی چون نرخ ۱۲ درصد بازدارندگی لازم را نداشت با موافقت شورای نگهبان نرخ جریمه معادل نرخ سود تسهیلات به اضافه ۶ درصد تعیین شد و این راهکار در حال حاضر نیز در شبکه بانکی کشور استفاده می‌شود.

به‌رغم تأیید شورای نگهبان، استفاده نظام بانکی کشور از این مصوبه در عمل با مشکل‌هایی روبه‌رو شده است؛ چرا که برخی از فقیهان با این دیدگاه مخالف هستند و آن را جایز نمی‌دانند. در حقیقت در سال‌های اخیر، پرسش‌های انبوهی از مراجع درباره جواز گنجاندن شرط جریمه تأخیر در قراردادهای بانکی شده است و هر یک از مراجع براساس مبانی خود، پاسخ داده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴):

امام خمینی علیه السلام: «آنچه بانک یا غیر بانک از بدهکار در صورت تأخیر پرداخت از تاریخ سررسید اضافه می‌گیرد، حرام است و گرفتن آن جائز نیست. هر چند که دو طرف معامله به این معنا تراضی داشته باشند».

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله: «وجهی شرعی برای خسارت تأخیر تأدیه نیست».

آیت‌الله سیستانی: «جایز نیست».

آیت‌الله وحید خراسانی: «جریمه در مورد تأخیر پرداخت وام جایز نیست».

آیت‌الله مکارم شیرازی: «بایستی در عقد خارج لازم شرط شود».

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای: «طبق قانون عمل شود».

آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله: «شرط پرداخت خسارت در ضمن عقد لازم در صورتی که مقدور طرف باشد و حدود آن کم‌وبیش مشخص شود، در ظاهر بی‌اشکال است و دریافت آن در این فرض مانعی ندارد».

آیت‌الله نوری همدانی: «بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود».

آیت‌الله صافی گلپایگانی: «گرفتن اضافه بابت تأخیر پرداخت تأدیه جایز نیست؛ اما اگر

به‌صورت شرط در عقد لازم قید، شود معتبر است».

آیت‌الله اردبیلی: «با توافق طرفین مانعی ندارد؛ اما احتیاطاً نباید ضمن همان عقدی باشد

که در آن قرض می‌دهد».

آیت‌الله تبریزی رحمته‌الله: «گرفتن مبلغ زیادی بابت تأخیر در ادای دین، ربا شمرده می‌شود و

جایز نیست؛ چه این زیادی را ضمن عقد شرط کند یا شرط نکند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این راهکار گرچه مورد تأیید فقیهان شورای نگهبان

است و نظام بانکی نیز با استناد به آن رفتار می‌کند؛ اما از ناحیه مراجع تقلید مورد اختلاف

است؛ به‌گونه‌ای که برخی مراجع بزرگوار تقلید به‌صورت صریح آن را مصداق ربای

جاهلی و حرام می‌دانند و حتی برخی مراجع به‌علت وجود چنین شرطی در ضمن قرارداد،

قرارداد بانکی را باطل می‌دانند و برخی به‌علت وجود چنین درآمدی، سودهای بانکی را

مشتببه و کارکردن در نظام بانکی را مجاز نمی‌شمارند. بر این اساس پیداکردن راهکاری که

در عین کارآمدی، از دید شریعت مورد توافق فقهی همه یا اکثر مراجع باشد به‌غایت

ضروری است (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۴۳۹).

۳. عدم تفکیک بین انواع مشتریان بدحساب

یکی دیگر از چالش‌های مهمی که در شیوه رویارویی نظام بانکی کشور با مطالبه‌های غیرجاری وجود دارد، عدم تفکیک بین مشتریان بدحساب است؛ یعنی در حال حاضر (به‌علت سکوت قانون عملیات بانکی بدون ربا) بانک‌های کشور الزام قانونی درباره بررسی مطالبه‌های معوق و تفکیک بین مشتریان بدحساب ندارند.

این در حالی است که به‌نظر می‌رسد از دید شرعی، بانک طلبکار نمی‌تواند با انواع مشتریان برخورد یکسان داشته باشد؛ بلکه لازم است میان آنها تفکیک کرده و با هر گروه به شیوه خاصی رفتار کند. در حقیقت بانک باید از دید قانونی بتواند دست‌کم بین سه گروه از مشتریان بدحساب، یعنی: مُعسرین و ورشکستگان، فعالان اقتصادی دارای مشکل‌های موقت و سوءاستفاده‌کنندگان از تسهیلات، جداسازی کند (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۵). با توجه به اهمیت فراوان این مسئله، در ادامه به توضیح مختصر هر یک از این سه گروه می‌پردازیم.

الف) بدهکاران مُعسر

نخستین نگره از مشتریان بدحساب، بدهکاران مُعسر و ورشکسته هستند. این افراد کسانی هستند از بانک تسهیلات دریافت کرده‌اند؛ اما بعد به علل گوناگون از بازپرداخت ناتوان شده‌اند؛ البته با توجه به اینکه بانک‌های کشور هنگام ارائه تسهیلات به‌طور معمول ضامن یا وثیقه‌های کافی از مشتریان دریافت می‌دارند، ناتوانی شخص مشتری در بازپرداخت مانع از وصول مطالبه‌های بانک نمی‌شود؛ بلکه اگر مشتری خود توان پرداخت نداشته باشد، بانک به ضامن مراجعه کرده یا با فروش وثیقه‌هایی که دریافت کرده است، بدهی خود را وصول می‌کند؛ بنابراین فقط افرادی در این گروه (بدهکاران مُعسر و ورشکسته) قرار می‌گیرند که نه خود توان پرداخت بدهی دارند، نه ضامن آنها و نه اینکه وثیقه‌های خاصی جهت فروش دارند. هر چند آمار و ارقام دقیقی درباره اینکه چند درصد از کل مطالبه‌های معوق مرتبط با این گروه از مشتریان است، وجود ندارد؛ اما به‌صورت تجربی و حدسی می‌توان گفت حداکثر پنج درصد از همه مطالبه‌های معوق مرتبط با چنین مشتریان است.

حال پرسش آن است که راهکار شرعی برای این گروه از مشتریان بدحساب چیست؟ براساس آیه‌های قرآن (به‌ویژه آیه ۲۸۰ بقره) و روایت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، بانک‌ها

وظیفه دارند به این مشتریان مهلت دهند و اگر هم بدهی این دسته از مشتریان را روی هم رفته ببخشند، عمل خیری انجام داده‌اند که مورد تأیید آیه‌های قرآن و روایت‌هاست (آیه ۲۸۰ بقره). پیشنهاد می‌شود بانک‌ها با اعطای یک مهلت قابل قبول به این مشتریان مطالبه‌های را پی‌گیری کنند و در صورت احراز ناتوانی دوباره، از محل منابع صندوق تبرعات، تسویه کنند. صندوق تبرعات صندوق مشاع بین بانکی است که به وسیله بانک‌ها و زیر نظر نهادهای خیرخواهانه چون کمیته امداد و سازمان بهزیستی راه‌اندازی و اداره می‌شود و به وسیله کمک بانک‌ها، وجوه اهدایی دولت، افراد و مؤسسه‌های خیریه و منابع بلا تکلیف بانک‌ها با کسب اجازه از ولی فقیه، تأمین مالی می‌شود.

ب) فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت

گروه دوم از مشتریان بدحساب در شبکه بانکی کشور، فعالان بخش‌های اقتصادی هستند که به‌رغم تمایل به بازپرداخت، به پرداخت بدهی خود در شرایط فعلی قادر نیستند. این افراد، بازرگانان، تولیدکنندگان یا فعالان اقتصادی هستند که به‌علت‌های گوناگون مانند تحریم‌های اقتصادی، تصویب قوانین خاص، مشکل‌های مدیریتی و ...، گذرا به ایفای تعهدهای خود نسبت به بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی توانا نیستند. مهم‌ترین ویژگی این گروه آن است که سابقه مثبتی در شبکه بانکی دارند؛ به‌طور مثال، شرکتی تولیدی که چند سال است با یک بانک خاص رابطه داشته و اقساط خود را همواره به موقع پرداخته است؛ اما برای مدتی مشخص؛ به‌طور مثال یک سال، به‌علت برخی مشکل‌هایی که شاید خود نیز در وقوع آنها تقصیری نداشته باشد، هم‌اینک امکان بازپرداخت ندارد. حجم مطالبه‌های معوقی که مرتبط با این گروه از مشتریان بدحساب است بسیار قابل توجه بوده و شاید به‌صورت تجربی و حدسی بتوان گفت که بیش از شصت درصد از تمام مطالبه‌های معوق، مرتبط با این گروه از مشتریان است.

راهکار پیشنهادی برای این گروه از مشتریان «مهلت‌دادن و تبدیل بدهی‌ها» است. در حقیقت بهترین گزینه برای بانک، مشتری و جامعه، آن است که بانک با تمديد و تبدیل قرارداد به شیوه‌ای صحیح و مشروع، به مشتری جهت بازپرداخت مهلت دهد. این شیوه برای مشتری مفید است؛ چون از اینکه بانک وثیقه‌هایش را به اجرا بگذارد و مشکل‌هایی

برایش پدید آورد، جلوگیری می‌کند. این شیوه برای بانک نیز مفید است؛ چرا که بانک از تحمل هزینه‌های صدور اجرائیه و پی‌گیری‌های قضایی و قانونی مرتبط معاف می‌شود و از سوی دیگر مشتری خود را نیز حفظ می‌کند. افزون بر این، مهلت‌دادن به برادران دینی که گذرا با مشکل‌هایی روبه‌رو هستند، با اخلاق اسلامی و روحیه تعاون و همکاری که از مبانی دانش بانکداری اسلامی است، سازگاری بیشتری دارد. سرانجام این شیوه برای جامعه نیز مفید است؛ چرا که از تعطیل شدن یک بنگاه اقتصادی و بیکاری عده‌ای از افراد جامعه جلوگیری می‌کند.

ج) سوءاستفاده‌کنندگان

گروه سوم از مشتریان بدحساب در شبکه بانکی کشور، سوءاستفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی هستند. این بخش از بدهکاران، از ابتدا با ارائه فعالیت‌های در ظاهر موجه و مورد حمایت دولت یا برای مقاصد دیگر، موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند یا اینکه مدیر و مالک یک بنگاه اقتصادی، به‌رغم سرمایه‌گذاری تسهیلات در فعالیت مربوطه و داشتن توجیه اقتصادی، مشاهده می‌کند که با تأخیر در پرداخت بدهی، سرمایه نقدی بدون هزینه یا کم هزینه‌ای در اختیارش قرار می‌گیرد که می‌تواند با استفاده از آن معامله‌های سودآوری داشته باشد (مداحی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

راهکار پیشنهادی برای این گروه از مشتریان که شاید به‌صورت تجربی بتوان گفت حدود ۳۵ درصد مطالبه‌های غیرجاری را تشکیل می‌دهند، جریمه تأخیر تأدیه و اجراکردن وثیقه‌ها است؛ یعنی با توجه به اینکه بانک بخش عمده منابعی که در اختیار دارد، منابع وکالتی است که باید در فعالیت‌های سودده اقتصادی به‌کار گرفته شود، بهترین راه‌حل در نظر گرفتن جریمه تأخیر و اجرای وثیقه‌ها برای تنبیه این دسته از مشتریان است؛ به‌طوری که مجبور به بازپرداخت شوند (جریمه ماهیت بازدارنده داشته باشد)؛ البته به روشی که افزون بر کارایی، مشروعیت حداکثری هم داشته باشد که در ادامه مقاله توضیح آن می‌آید.

۴. سکوت قانون درباره مهلت‌دادن مطالبه‌های غیرجاری

یکی دیگر از چالش‌های قانونی درباره مقوله مطالبه‌های غیرجاری، عدم ارائه شیوه‌های مشروع در قانون عملیات بانکی بدون ربا برای مهلت‌دادن به مطالبه‌های غیرجاری است. در

حقیقت در برخی مواقع بانک قصد دارد به هر دلیل اصل، سود و جریمه اقساط معوق مشتری را در قالب تسهیلات جدید امهال کند و در این باره نیازمند شیوه‌ای مشروع و کارا است. هر چند بانک مرکزی در سال ۱۳۹۰ به ابلاغ بخشنامه‌ای مرتبط با مهلت‌دادن به مطالبه‌های غیرجاری به بانک‌ها اقدام کرده است؛ اما هم‌چنان در تعداد قابل توجهی از بانک‌ها از شیوه‌های ناصحیح و غیرشرعی مانند: تقسیط بدهی‌ها، مشارکت مدنی احیای بدهی‌ها و جعاله احیای بدهی‌ها استفاده می‌کنند که از دید شرعی محل مناقشه بوده و شبهه ربای جاهلی درباره آنها جدی است.

اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا از دید مطالبه‌های غیرجاری

با توجه به آنچه در قسمت پیش مطرح شد و در نظر گرفتن این موضوع که مسئله مطالبه‌های معوق در شبکه بانکی از جمله موضوع‌هایی است که همواره مورد نقد برخی از مراجع تقلید و فقیهان معظم بوده است، به نظر می‌رسد اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا و اضافه کردن بخشی مستقل درباره مطالبه‌های غیرجاری، ضرورتی انکارناپذیر است. در قسمت پنجم مقاله پیش‌رو، مواد قانونی پیشنهادی جهت اضافه‌شدن به قانون عملیات بانکی بدون ربا پیشنهاد خواهد شد؛ اما در این قسمت به چند نکته مهم که در عمل مبانی نظری پیشنهادهای قانونی در قسمت بعد را شکل می‌دهند، اشاره می‌شود.

۱. ضرورت اعتبارسنجی مشتریان

نخستین نکته‌ای که باید در اینجا مورد اشاره قرار گیرد آن است که اگر در نظام بانکداری متعارف، الزام قانونی بر ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی و مسئولیت مؤسسه‌های اعتباری بانکی و غیربانکی بر اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات و گرفتن ضمانت‌ها و وثیقه‌های معتبر فقط یک امتیاز شمرده می‌شود، در بانکداری بدون ربا که بانک وکیل اکثر سپرده‌گذاران شمرده می‌شود، اعتبارسنجی یک تکلیف الزامی است. بر این اساس هر بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که بدون مطالعه لازم یا بدون رعایت اصول بانکداری به اعطای تسهیلات احترام کند، موازین شریعت و ضوابط وکالت را نادیده گرفته و در برخی شرایط، ضامن است.

۲. ضرورت ارائه راهکار اجماعی برای مقوله جریمه تأخیر تأدیه

همان‌طور که ملاحظه شد، تعداد قابل توجهی از مراجع محترم تقلید با راهکار شورای نگهبان برای مسئله جریمه تأخیر تأدیه مخالف هستند و از طرفی با توجه به اینکه لازم است در قانون تا حد امکان موارد اجماعی ذکر شود - تا مقلدین اکثر مراجع بتوانند در چارچوب قانون فعالیت کنند - بر این اساس طراحی شیوه‌ای که بیشتر از راهکار شورای نگهبان مورد توافق مراجع باشد، ضرورت دارد. بر این اساس در ادامه به دو راهکار «وجه التزام ابتدایی در قالب عقد صلح» و «اضافه کردن وجه التزام به سود معامله از ابتدا» به‌عنوان جایگزین نظر شورای نگهبان (دریافت جریمه تحت عنوان وجه التزام به‌صورت شرط ضمن عقد) ارائه می‌شود.

الف) وجه التزام ابتدایی در قالب عقد صلح

تبیین این راهکار به این صورت است که بانک پیش از اعطای تسهیلات به مشتری با وی قرارداد صلحی امضا می‌کند که در آن مشتری مبلغی وجه التزام را بر عهده (ذمه) می‌گیرد تا بانک تسهیلات درخواستی را با ضوابط تعیین‌شده به وی بپردازد؛ مشروط بر اینکه اگر متقاضی بدهی‌های ناشی از تسهیلات را به موقع بپردازد، بانک متناسب با آن، همه یا بخشی از وجه التزام را تخفیف دهد. در حقیقت این راهکار «صلح تعهد پرداخت تسهیلات در برابر به‌ذمه‌گرفتن معادل وجه التزام» بین بانک و مشتری است.* در توضیح بیشتر می‌توان بیان کرد که در این شیوه، بانک به ترتیب ذیل اعطای تسهیلات می‌کند:

۱. دریافت تقاضای تسهیلات مشتری؛

۲. بررسی تقاضای مشتری به‌وسیله بخش اعتبارات بانک و موافقت با اعطای تسهیلات؛

۳. محاسبه اصل و سود تسهیلات به‌صورت قطعی (در عقود مبادله‌ای) یا انتظاری (در قراردادهای مشارکتی)؛

۴. محاسبه حداکثر وجه التزام احتمالی: به این بیان که بانک با توجه به میزان تسهیلات، سررسید تسهیلات، سود بانک و مدت‌زمان تأخیر احتمالی (حداکثر تأخیری که بعد از آن

*. شایان ذکر است که این راهکار به‌وسیله دفتر آیت‌الله سیستانی پیشنهاد شده و به تازگی به‌وسیله شورای فقهی بانک مرکزی مورد تأیید واقع شده است.

بانک وارد اقدام قضایی می‌شود)، حداکثر وجه التزام احتمالی که به هر فقره تسهیلات تعلق می‌گیرد را محاسبه می‌کند.

۵. مصالحه بانک و مشتری بر روی وجه التزام: به این بیان که بانک پیش از اعطای تسهیلات با مشتری وارد قرار صلحی می‌شود که در آن متقاضی مبلغی معادل وجه التزام محاسبه‌شده را بر عهده می‌گیرد تا بانک نیز در عوض، متعهد شود که تسهیلات درخواستی را با ضوابط تعیین‌شده به مشتری بپردازد؛ مشروط بر اینکه اگر متقاضی بدهی‌های ناشی از تسهیلات را به موقع پرداخت کرد، بانک متناسب با آن، همه یا بخشی از وجه التزام را تخفیف دهد و ذمه مشتری را بری کند.

۶. گرفتن ضمانت یا وثیقه: در حقیقت بانک متناسب با اصل تسهیلات، سود و وجه التزام مصالحه شده از مشتری تقاضای ضمانت یا وثیقه می‌کند؛
۷. اعطای تسهیلات.

برای درک بهتر این راهکار، مناسب است در اینجا مثالی ارائه شود. فرض کنید بنگاهی اقتصادی جهت تهیه مواد اولیه، تقاضای تسهیلات فروش اقساطی به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان دارد. بانک با بررسی تقاضا و اعلام موافقت، سود و وجه التزام احتمالی را محاسبه می‌کند. اگر نرخ سود تسهیلات ۲۰ درصد و تسهیلات پنج‌ساله باشد، با استفاده از فرمول ساده، سود معادل ۵۰ میلیون تومان خواهد بود. اگر نرخ وجه التزام را ۲۶ درصد و حداکثر مدت تخلف را برای همه تسهیلات به‌طور متوسط دو سال در نظر بگیریم، وجه التزام احتمالی حدود ۸۰ میلیون تومان خواهد بود.

در این مثال بانک پیش از اعطای تسهیلات با متقاضی مصالحه می‌کند، مبنی بر اینکه ۸۰ میلیون برعهده متقاضی قرار گیرد، در روبرو بانک متعهد می‌شود که اولاً، تسهیلاتی به ارزش ۱۰۰ میلیون با سود ۲۰ درصد به اقساط پنج‌ساله بپردازد؛ ثانیاً، اگر گیرنده تسهیلات بدهی خود را به موقع بپردازد، به تناسب آن، بانک از مبلغ وجه التزام ۸۰ میلیونی بکاهد. شایان ذکر است در این شیوه بانک حق دارد هر زمان که تشخیص داد، علیه مشتری قضایی اقدام کرده و مطالبه‌های خود (اعم از اصل سرمایه، سود و وجه التزام) را از متقاضی، ضامن یا از محل فروش وثیقه وصول کند.

در مقایسه این راهکار با راهکار وجه التزام که مورد تأیید شورای نگهبان است، دو نکته قابل ذکر است؛ اولاً، این راهکار مطابق مبانی غالب مراجع تقلید است و برخلاف راهکار

شورای نگهبان، اختلافی نیست؛ ثانیاً، در راهکار شورای نگهبان سقف وجه التزام باز است و ممکن است برای سالیان متمادی استمرار داشته باشد (به طوری که جریمه می تواند چند برابر اصل تسهیلات بانک شود)؛ اما در راهکار وجه التزام ابتدایی، سقف وجه التزام بسته است و حداکثر به میزان مبلغ مورد مصالحه قابل وصول خواهد بود.

ب) اضافه کردن وجه التزام به سود معامله از ابتدا

در این شیوه بانکها می توانند به جای شرط وجه التزام در قرارداد صلح، نرخ سود عقود مبادله ای و سهم سود عقود مشارکتی را به میزان حداکثر وجه التزام احتمالی، بالاتر تعیین کنند؛ سپس در ضمن عقد متعهد شوند که چنانکه مشتری تعهدهای خود را در سررسیدهای مقرر انجام داد، بانک نرخ و سهم سود اضافه را به نفع مشتری ابراء کند. این شیوه نیز کم و بیش با مبانی فقهی همه فقیهان و مراجع محترم تقلید سازگاری دارد.

ج) دریافت وجه التزام به عنوان تعزیر مالی

کسی که بدهی و تعهدهای خود به بانک را در سررسیدهای مقرر پرداخت نمی کند، مطابق موازین شریعت پیمان شکن و متخلف است و حاکم شرع می تواند وی را تعزیر کند. از آنجا که تعزیر متخلف نیاز به فرایند قضایی طولانی دارد، می توان با کسب اجازه از حاکم شرع آن را مانند جرایم راهنمایی و رانندگی تبدیل به رویه قانونی مشخص کرده و به وسیله بانکها به نفع بیت المال وصول شود؛ سپس با اجازه حاکم شرع برای جبران خسارت های بانکهای مربوطه در اختیار بانک گذاشت.

۳. ضرورت ارائه راهکار اجماعی برای مقوله مهلت دادن مطالبه ها

همان طور که بیان شد از دید اقتصادی و شرعی، راهکاری که برای بخش خاصی از مشتریان بدحساب (فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت) پیشنهاد می شود، مهلت دادن مطالبه هاست؛ اما برای اجرای صحیح مقوله امهال، لازم است راهکارهای مشروع و کارا در قانون ارائه شود. در ادامه به چهار مورد از این راهکارها اشاره می شود.

الف) بیع دین

عقد بیع دین از جمله ابزارهایی است که در بانکداری بدون ربا، برای تأمین منابع مالی و نقدینگی مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنا به تعریف، خرید دین، تسهیلاتی است که به سبب آن بانک، چک، سفته، برات یا هر سند مالی مدت‌داری را که ناشی از معامله واقعی باشد، می‌خرد. بانک‌ها براساس مصوبه شورای پول و اعتبار، برای اشخاص حقیقی و حقوقی تا سقف معین، خط اعتباری تعیین می‌کنند. شیوه عملیاتی مهلت‌دادن به این صورت است که بانک‌ها می‌توانند نسبت به بدهکارانی که از یک‌سو بدهی معوقه داشته و از سوی دیگر، اسناد تجاری واقعی در اختیار دارند، با استفاده از ابزار خرید دین، اسناد تجاری آنان را تنزیل کند و از آن محل، مطالبه‌های معوقه خود را تسویه کنند (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱).

به‌طور مثال، اگر مشتری تسهیلات مرابحه به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان با نرخ سود ۲۰ درصد یک‌ساله دریافت کرده و به‌علت عدم بازپرداخت به موقع، به میزان اصل و سود تسهیلات به بانک بدهکار است (۱۲۰ میلیون تومان بدهکار است)، بانک‌ها با احتساب اصل، سود و جریمه تأخیر (به‌طور مثال معادل ۱۰ میلیون تومان) و با تنزیل اسناد تجاری مشتری، تسهیلات جدیدی در قالب خرید دین به‌طور دقیق به همین میزان به وی اختصاص می‌دهند؛ البته در این شرایط، دیگر وجوه در اختیار مشتری قرار نمی‌گیرد؛ بلکه بانک این تسهیلات جدید را در عوض بدهی‌های گذشته مشتری می‌شمارد. فقط به لحاظ محاسباتی، بدهی‌های گذشته مشتری نسبت به بانک تسویه شده و از ستون دارایی‌های ترازنامه بانک خارج می‌شود؛ یعنی از حجم مطالبه‌های غیرجاری بانک کاسته می‌شود و تسهیلات جدید برای مشتری ثبت می‌شود.

ب) سلف

منظور از معامله سلف در عملیات بانکی، پیش‌خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین است. در حقیقت زمانی که تولیدکننده‌ای در جریان تولید کالا یا فرآورده، دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شود یا بدهی معوقه دارد، می‌تواند از راه پیش‌فروش قسمتی از تولید خود، نیاز مالی بنگاه را تأمین کند. پیش از تنظیم قرارداد سلف، نکته‌های لازم درباره

ویژگی‌های بنگاه تولیدی، میزان تولید، فروش و ... به‌وسیله بانک بررسی و پس از اطمینان از تحویل کالا در سررسید، نسبت به پیش‌خرید کالا اقدام می‌شود. در حال حاضر برخی از بانک‌های کشور با استفاده از قرارداد سلف، بخشی از محصول بنگاه را پیش‌خرید کرده و از این محل بدهی معوقه بنگاه شامل اصل، سود و جریمه تسهیلات پیشین را تسویه می‌کند و تسهیلات جدیدی برای مشتری منظور می‌کنند.

ج) اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک، قرارداد اجاره‌ای است که در آن شرط شود، چنانکه مستأجر به مفاد قرارداد عمل کند، مؤجر در پایان قرارداد اجاره، مورد اجاره را به ملکیت مستأجر درآورد (جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۴۴). این ابزار از جمله قراردادهایی است که در بانکداری اسلامی استفاده‌های انبوهی می‌تواند داشته باشد که یکی از آنها، مهلت‌دادن مطالبه‌های معوق مشتری است. به این صورت که بانک در عوض مطالبه‌هایی که از مشتری دارد، یکی از دارایی‌های منضبط مشتری را خریداری و تملک کرده و از محل قیمت آن دارایی، بدهی پیشین مشتری به‌طور کامل تسویه می‌شود. در ادامه بانک دارایی را به‌صورت اجاره به شرط تملیک و با نرخ‌های سود جدید در اختیار مشتری قرار می‌دهد.

د) مشارکت کاهنده

قرارداد مشارکت کاهنده نیز ظرفیت خوبی برای استمهال مطالبه‌های غیرجاری بانک‌ها و کمک به فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت دارد. شیوه استفاده از این ابزار جهت استمهال مطالبه‌ها می‌تواند به این صورت باشد که ابتدا مشتری درخواست استمهال مطالبه‌های خود را کرده و بانک پس از موافقت با این مسئله از مشتری می‌خواهد که به اندازه کل مبلغ مورد استمهال، دارایی مشخص و ارزشمندی را جهت مشارکت کاهنده معرفی کند. در ادامه بانک نسبت به ارزیابی دارایی به‌وسیله کارشناسان بانک یا کارشناسان رسمی دادگستری اقدام می‌کند؛ پس از مشخص شدن مبلغ ارزیابی، کل سرمایه مشارکت مشخص شده و با توجه به مبلغ بدهی مشتری، بانک درصد سهم‌الشرکه خود را به‌صورت نقدی تعیین می‌کند. درصد سهم‌الشرکه مشتری نیز مشخص و به‌صورت غیرنقدی در قرارداد قید می‌شود. ارکان اعتباری بانک با در نظر گرفتن توانایی متقاضی و عمر مفید

دارایی، مدت و تعداد مرحله‌های واگذاری سهم‌الشرکه بانک را تعیین و با توجه به نوع دارایی معرفی شده شامل املاک مسکونی، اداری، تجاری یا کارخانه یا انواع ماشین‌آلات و ...، درباره امکان‌پذیر بودن وثیقه‌کردن دارایی، جهت تضمین بازپرداخت اقساط، اظهارنظر می‌کنند (موسویان و غلامی، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

بانک به میزان مبلغ پرداختی (بدهی معوقه مشتری) به صورت مشاع در دارایی با مشتری شریک می‌شود - درصد مشارکت بانک می‌تواند حداکثر ۸۰ درصد باشد - با توجه به اینکه بانک با عقد مشارکت مدنی کاهنده و با شرط ضمن عقد در اموال معرفی شده مشتری شریک می‌شود، به مقتضای شرط ضمن عقد؛ اولاً، با واگذاری بخشی از سهم‌الشرکه بانک به شریک، در هر مرحله سهم مشتری در دارایی افزایش و سهم بانک کاهش می‌یابد؛ ثانیاً، بانک در طول دوره مشارکت، سهم‌الشرکه خود را به مشتری اجاره داده و اجاره‌بها دریافت می‌کند. بانک براساس شرط ضمن عقد، در طول مشارکت باید اجاره دارایی یا سود حاصل از مشارکت را همراه با اصل سهم‌الشرکه در هر مرحله دریافت کند. در پایان قرارداد نیز در صورت ایفای تعهدهای مشتری، سهم بانک از دارایی به مشتری انتقال یافته و مشتری مالک کل دارایی می‌شود و نسبت به تسویه قرارداد اقدام می‌کند.

۴. ضرورت تشویق مشتریان خوش حساب

به نظر می‌رسد یکی از مواردی که لازم باشد در قانون عملیات بانکی بدون ربا به آن توجه شود، تشویق مشتریان خوش حساب است. در حقیقت مناسب است بانک‌ها با ارائه انواعی از امتیازها به مشتریان خوش حساب (به‌طور مشخص تخفیف نرخ سود) بکوشند تا در کنار تنبیه مشتریان بدحساب، مشتریان خوش حساب را تشویق کنند تا این خود انگیزه‌ای جهت خوش‌حسابی در مشتریان پدید آورد. این تشویق‌ها به صورت مشخص می‌تواند در قالب الزام بانک‌ها به کاهش مبلغ بدهی در برابر تسویه پیش از سررسید و ترغیب بانک‌ها به ارائه تخفیف در سود قراردادهای بعدی نسبت به مشتریانی که بدون تأخیر به ایفای تعهدها و پرداخت بدهی‌هایشان اقدام می‌کنند، باشد.

پیشنهاد مواد قانونی مرتبط با مطالبه‌های غیرجاری

با توجه به مجموع بحث‌هایی که تاکنون مطرح شد و به‌ویژه مبانی نظری مطرح‌شده در قسمت پیش، پیشنهاد می‌شود فصل جدیدی - تحت عنوان فصل چهارم - به قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شود. در ادامه نمونه‌ای اولیه و پیشنهادی از مواد قانونی برای این فصل که می‌تواند در اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد استفاده واقع شود، ارائه می‌شود.

فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا: وصول مطالبه‌ها، معوقه‌ها، جریمه‌ها و استمهال

ماده ۱: بانک‌ها موظف هستند پیش از اعطای تسهیلات، از راه نظام جامع بانک مرکزی، اطمینان از عدم ممنوعیت متقاضی یا طرح برای اعطای تسهیلات کسب کنند.

ماده ۲: بانک‌ها موظف هستند پیش از اعطای تسهیلات به‌وسیله اعتبارسنجی متقاضی تسهیلات و ارزیابی طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اطمینان کافی و مستند مبنی بر وصول اصل و سود تسهیلات داشته باشند.

ماده ۳: بانک‌ها می‌توانند تسهیلات بانکی و گیرندگان تسهیلات را در برابر حوادث مرتبط بیمه کنند.

ماده ۴: بانک‌ها موظف هستند نسبت به آن‌دسته از استفاده‌کنندگان از تسهیلات که زودتر از سررسید، بدهی خود را می‌پردازند، متناسب با مبلغ و مدت و نوع تسهیلات، تخفیف دهند.

ماده ۵: بانک‌ها می‌توانند نسبت به آن‌دسته از استفاده‌کنندگان تسهیلات که به‌صورت منظم و در سررسیدهای مقرر به تعهدهای خود عمل می‌کنند، جایزه خوش‌حسابی بپردازد.

ماده ۶: بانک‌ها می‌توانند پیش از انعقاد قرارداد تسهیلات، قرارداد صلحی با متقاضیان تسهیلات منعقد کنند که در آن قرارداد بانک به پرداخت تسهیلات متعهد شده و مشتری مبلغی معادل وجه التزام معین را به نفع بانک بر عهده می‌گیرد، مشروط بر اینکه در صورت پرداخت بدهی ناشی از قرارداد تسهیلاتی مطابق سررسیدهای مقرر، بانک کل یا بخشی از بدهی ناشی از صلح را به نفع گیرنده تسهیلات ابراء کند.

تبصره: مبلغ و کیفیت پرداخت وجه التزام باید به گونه‌ای باشد که نسبت به مشتری، بازدارنده از تخلف و نسبت به بانک، جریمه فرد متخلف را داشته باشد و از تبدیل شدن آن به مجوز تأخیر نسبت به مشتری و محل درآمد برای بانک پرهیز شود.

ماده ۷: بانک‌ها می‌توانند به محض تأخیر در ادا بدهی به وسیله مدیون؛ اولاً، به ضامن اطلاع دهند؛ ثانیاً، در نخستین فرصت مناسب اقدام‌های قانونی خود برای وصول مطالبه‌ها را شروع کنند و دریافت وجه التزام از ضامن از زمان ابلاغ قانونی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی به وی خواهد بود.

ماده ۸: بانک‌ها می‌توانند به جای شرط وجه التزام در قرارداد صلح، نرخ سود عقدهای مبادله‌ای و سهم سود عقدهای مشارکتی را در حد وجه التزام بالاتر تعیین کنند؛ سپس در ضمن عقد متعهد شوند که چنانکه مشتری تعهدهای خود را در سررسیدهای مقرر انجام داد، بانک نرخ و سهم سود اضافه را به نفع مشتری ابراء می‌کند.

ماده ۹: گیرندگان تسهیلات و ضامن‌ها که از پرداخت بدهی ناتوان باشند، در صورت احراز ورشکستگی و اعسار، مشمول قوانین و مقررات مربوط خواهند بود.

ماده ۱۰: در صورتی که احراز شود متقاضی تسهیلات به علل اقتصادی، موقت به بازپرداخت بدهی در زمان سررسید قادر نیست، بانک می‌تواند با انعقاد قرارداد جدیدی مانند سلف، خرید دین، اجاره به شرط تملیک و مشارکت کاهنده، منابعی در اختیار متقاضی قرار دهد تا قرارداد سررسید شده را تسویه کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحقیق پیش‌رو کوشید تا ضمن آسیب‌شناسی وضع موجود رویارویی با چالش مطالبه‌های غیرجاری در نظام بانکی کشور از دید قانونی و ضمن طرح چارچوبی نظری براساس فقه اسلامی، پیشنهادهای مشخصی جهت اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا و اضافه‌شدن فصلی مشخص به آن ارائه کند. هدف از پیشنهاد اضافه‌شدن این فصل به قانون آن است که تمام بحث‌های مرتبط با مسئله مطالبه‌های غیرجاری شامل جریمه تأخیر تأدیه، استمهال مطالبه‌ها، تخفیف به مشتریان خوش‌حساب و ... همگی در بخشی مشخص در قانون مرجع

درباره بانکداری اسلامی ذکر شود. با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده در مقاله پیش‌رو می‌توان نکته‌های ذیل را مورد تأکید قرار داد:

۱. اگر الزام قانونی بر ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی و مسئولیت مؤسسه‌های اعتباری بانکی و غیربانکی بر اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات و گرفتن ضمانت‌ها و وثیقه‌های معتبر در بانکداری متعارف فقط یک امتیاز شمرده می‌شود، در بانکداری بدون ربا که بانک وکیل سپرده‌گذاران شمرده می‌شود، یک تکلیف الزامی است؛ بنابراین هر شخص حقیقی یا حقوقی که بدون مطالعه لازم یا بدون رعایت اصول بانکداری به اعطای تسهیلات اقدام کند، موازین شریعت و ضوابط وکالت را نادیده گرفته و در برخی موارد شرعاً ضامن است.

۲. مطابق آموزه‌های اسلامی نمی‌توان تمام مطالبه‌های معوق را با یک ابزار معالجه کرد. اگر گیرنده تسهیلات یا ضامن‌ها به هر علتی معسر و ورشکسته باشند، راهکار جریمه یا تمدید قرارداد چیزی جز افزودن مبلغ بدهی و افزایش گرفتاری نیست. در این موارد باید به روشی که در قواعد اعسار و ورشکستی آمده، مسئله خاتمه پیدا کند تا هم خیال بانک و هم بدهکار راحت شود.

۳. اگر فعالان اقتصادی به هر علت مانند اعمال تحریم‌های بین‌المللی، تغییرهای کوتاه‌مدت شرایط اقتصادی یا مشکلات فنی، از برنامه‌ریزی مالی و پرداخت بدهی یا انجام تعهدها عقب مانده‌اند و در صورت داشتن فرصت معین می‌توانند خودشان را به روز کنند، راهکار مهلت‌دادن به بدهی از راه تبدیل قرارداد بهترین گزینه است.

۴. اگر گیرنده تسهیلات به علت تخلف و پیمان‌شکنی از پرداخت بدهی یا انجام تعهدها سرباز می‌زند، بهترین راهکار جریمه فرد متخلف از راه الزام‌های تعهدی ضمن قرارداد به روش وجه التزام و الزام‌های قضایی است.

۵. افزون بر الزام‌های پیش‌گفته، تشویق مالی افرادی که زودتر از موعد تسویه می‌کنند (افراد خوش‌حساب) و محرومیت از خدمات بانکی افراد متخلف، می‌تواند اثر فراوانی در کاهش مطالبه‌های غیرجاری داشته باشد.

واردکردن یافته‌های پژوهش پیش‌رو به صورت مواد و تبصره‌های قانونی الزامی و تشویقی به قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌تواند؛ اولاً، به تقویت قانون بیانجامد؛ ثانیاً، میزان مشروعیت شیوه‌های مورد استفاده در نظام بانکی کشور در رویارویی با مسئله مطالبه‌های غیرجاری را تقویت کند؛ ثالثاً، راهکارهای نظارتی بانک مرکزی را بهبود بخشد؛

رابعاً، مانع دخالت‌های نهادهای غیرتخصصی در فعالیت‌های بانکداری شود و تمام اینها سرانجام زمینه کاهش مطالبه‌های غیرجاری را فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ

۱. آهنگران، محمدرسول و فرشته ملاکریمی؛ «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۰، ش ۴۰، ۱۳۸۹.
۲. احمدوند، ولی‌الله، «آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان»؛ فصلنامه مصباح، ش ۵۳، ۱۳۸۳.
۳. انصاری، علی؛ «دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۱، ش ۴۱، ۱۳۹۰.
۴. بادینی حسن و محمد عزیز حسامی؛ «بررسی مبانی فقهی قابلیت خسارت تأدیه وجه نقد از دیدگاه مذاهب اسلامی»؛ دوفصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۱.
۵. تسخیری، محمدعلی؛ «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت (ع)، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۶. جمشیدی، سعید؛ بانکداری اسلامی؛ چ ۲، تهران: انتشارات گپ، ۱۳۹۱.
۷. رضایی، مجید؛ «بررسی فقهی جریمه تأخیر تأدیه»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۶، ۱۳۸۰.
۸. السان، مصطفی؛ حقوق بانکی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۹. _____؛ حقوق پرداخت‌های بانکی؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰.
۱۰. شعبانی، احمد و عبدالحسین جلالی؛ «دلایل گسترش مطالبه‌های معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن»؛ فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۴، ۱۳۹۰.
۱۱. مداحی، جواد؛ «آسیب‌شناسی مطالبه‌های معوق»؛ فصلنامه بانک صادرات ایران، ش ۴۲، ۱۳۸۰.

۱۲. مصباحی‌مقدم، غلام‌رضا و حسن جلالی؛ «کاوشی در حکم فقهی شرط‌های جزایی و تهدیدی در جریمه تأخیر در نظام بانکداری بدون ربا»؛ پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۲۸، ۱۳۸۷.
۱۳. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی؛ ویرایش سوم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳.
۱۴. موسویان، سیدعباس و روح‌الله غلامی؛ «راهکارهای استمهال مطالبه‌های غیرجاری در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، ش ۶۵، ۱۳۹۳.
۱۵. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۸، ۱۳۸۵.
۱۶. _____؛ «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»؛ فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۴، ۱۳۸۴.
۱۷. _____؛ «جریمه تأخیر تأدیه (فتاوی مراجع تقلید، قوانین و مقررات بانکی، مقالات علمی)»؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.
۱۸. موسوی‌بجنوردی، سیدمحمد؛ «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»؛ فصلنامه متین، ش ۱۹، ۱۳۸۲.
۱۹. موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع؛ ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۲۰. مهرپور، حسین؛ مجموعه نظرات شورای نگهبان؛ تهران: انتشارات مؤسسه کیهان، ۱۳۷۱.
۲۱. ندری، کامران و لیلا محرابی؛ بررسی تطبیقی مطالبه‌های غیرجاری نظام بانکی ایران با سایر کشورها؛ مجموعه مقالات بیست‌وپنجمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۹۳.
۲۲. وحدتی‌شیرینی، حسن؛ «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۳، ش ۱۲، ۱۳۸۲.
۲۳. هدایت‌نیا، فرج‌الله؛ خسارت تأخیر تأدیه: آسیب‌شناسی فقهی قوانین؛ قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۳.

24. Sulayman, A; The Problem of Late Payment in Islamic Banks;
Jeddah: King Abdulaziz University, 2011.